

سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه درباره بحران سوریه

دکتر عباس کشاورز شکری^۱

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

هاجر صادقیان^۲

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۸

چکیده

دگرگونی‌های سیاسی و وقایع انقلابی که در برخی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شد، به سوریه نیز سرایت کرد. این تغییرات شگرف سیاسی، تحلیلگران سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را بر آن داشته تا زمینه‌ها و ابعاد و عوامل گوناگون این دگرگونی‌ها را بررسی کنند. در میان این ناآرامی‌ها، بحران سوریه طولانی بوده و به جنگ داخلی منجر شده است. از همان آغاز اعتراضات در این کشور، رد پای عملکرد دولت‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای با اهداف و انگیزه‌های گوناگون دیده می‌شود. سؤال اصلی این مقاله درباره سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه درباره بحران سوریه است. در این راستا، تلاش شده است جنبه‌های مختلف این مواضع، براساس روش تحلیل اسنادی و در چارچوب نظریه سیاست خارجی و سیاست‌گذاری بین‌المللی روزنا بررسی شود. یافته‌های مقاله بیانگر این است که دولت جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی خود را باتوجه به جهت‌گیری ایدئولوژیکی خاص خود و نیز موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی، به حمایت از استمرار و پایداری دولت اسد و مخالفت با معارضان سوری متمایل کرده است و درمقابل، دولت ترکیه رویکرد خود را درقبال تحولات سوریه، همسو با آمریکا و مجموعه غرب تنظیم کرده است و از خواسته‌های معترضان حمایت کرده و خواستار کناره‌گیری دولت سوریه شده است.

واژه‌های کلیدی: بحران سوریه، سیاست خارجی، ایران، ترکیه، خاورمیانه.

1. Abbaskeshavarz1@yahoo.com

2. h_sadeghiyan2010@yahoo.com

سوریه در نقطه اتصال سه قاره آسیا و اروپا و آفریقا و در حد فاصل اروپای صنعتی و خاورمیانه واقع شده است. به این ترتیب، این کشور از لحاظ ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، در منطقه جایگاه بسیار مهمی دارد. اهمیت سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت است از: ۱. مرکزیت سوریه به لحاظ راهبردی در خاورمیانه؛ ۲. پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل؛ ۳. احساس خطر از وجود حکومت علوی در منطقه که مخالف کمپ غرب است (آجرلو، ۱۳۹۰: ۵۶)؛ ۴. سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی عمومی به دلیل جایگاهش در جبهه مقاومت و ارتباط و اتحاد با جمهوری اسلامی، در محاسبات منطقه‌ای و جهانی اهمیت مضاعف دارد (فرزندی، ۱۳۹۱: ۶۲).

در همین راستا و به موازات شروع و گسترش بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱، کشورهای مؤثر در منطقه مداخله در اوضاع نابسامان این کشور را شروع کردند. عربستان سعودی و اردن که با مطرح کردن قضیه هلال شیعی در منطقه، تلاش می‌کنند از نفوذ ایران در منطقه بکاهند، فرصت را غنیمت شمرده و به یاری نیروهای مخالف بشار اسد پرداختند. این کمک‌ها از لحاظ نظامی، سیاسی، تبلیغاتی و مالی جنبه‌های مختلف و پیچیده داشته است. هدف آنان نیز ساقط کردن حکومت علوی سوریه و قطع کردن ارتباط ایران با سوریه و لبنان است. این وضع ممکن است توازن قوا را در منطقه شامات به نفع این کشورها و به ضرر ایران بر هم زند. ایالات متحده و اروپای غربی نیز در راستای همین سیاست به دفاع همه‌جانبه از نیروهای مخالف بشار اسد پرداخته و تلاش می‌کنند حکومت وی را ساقط کنند.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران که عمق استراتژیک خود را تا لبنان و مرزهای رژیم صهیونیستی امتداد داده است، در تلاش است تا جلو این موضوع را بگیرد و موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع خود حفظ کند. جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ تحمیلی و حصول اطمینان از اینکه غربی‌ها در صدد ساقط کردن نظام نوپای انقلابی در ایران هستند، تلاش کرد جبهه جنگ را از مرزهای ایران و عراق به مرزهای رژیم صهیونیستی منتقل کند. لذا با پایان یافتن جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی با افزایش حمایت‌های همه‌جانبه خود از مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین، در تقویت و گسترش حزب الله در جنوب لبنان و





حماس در خاک فلسطین نقش مهمی ایفا کرد. متعاقب این تلاش‌ها این دو نیرو (حزب‌الله و حماس) به دو نیروی مؤثر و شکست‌ناپذیر مقاومت اسلامی در منطقه تبدیل شدند.

این موضوع رژیم صهیونیستی و ایالات متحده را دچار وحشت ساخت و آنان تلاش کردند با شکست دادن حزب‌الله، عمق استراتژیک ایران را از بین برده و نفوذ ایران را به منطقه خلیج فارس محدود کنند. به همین مناسبت، جنگ ۳۳ روزه لبنان با هدف از بین بردن حزب‌الله و با آمریت ایالات متحده و توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد؛ اما پس از ۳۳ روز جنگ، رژیم صهیونیستی به جنگ خاتمه داد؛ چراکه توان از بین بردن حزب‌الله را نداشت و به این ترتیب، اسطوره شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی از بین رفت. پس از آن، رژیم صهیونیستی تصمیم به حمله به حماس را گرفت که آن هم پس از ۲۲ روز جنگ به جایی نرسد. جنگ اخیر رژیم صهیونیستی در غزه نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود.

با آغاز بحران در سوریه، ایالات متحده و هم‌پیمانانش تصمیم گرفتند با حمایت از مخالفان بشار اسد، ساقط شدن رژیم سیاسی سوریه را تسهیل کنند و به این ترتیب، با از بین رفتن حکومت علوی نزدیک به ایران و روی کار آمدن حکومت سنی نزدیک به عربستان و اردن و مصر و قطر، حلقه‌های ارتباطی میان ایران و حزب‌الله قطع شود. به همین مناسبت، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به همراه عربستان، اردن، قطر و مصر کمک‌های همه‌جانبه خود را به مخالفان اسد آغاز کردند و گسترش دادند.

چین و روسیه نیز به عنوان دو قدرت مهم در منطقه مشغول ایفای نقش هستند. در تقسیم‌بندی‌های جهانی، در نظام دوقطبی سابق میان ابرقدرت‌ها، سوریه همواره در اردوگاه چپ و اتحاد شوروی بوده است؛ اما پس از از بین رفتن نظام دوقطبی، روسیه همچنان سوریه را در حوزه نفوذ خود دانسته و لذا شدیداً از این کشور حمایت کرده تا از سقوط حکومت بشار اسد و غلتیدن سوریه به دامن غرب جلوگیری کند. بحران اوکراین به اختلافات بین روسیه و غرب دامن زده و احتمال اختلاف و افتراق بین ۱+۵ را افزایش داده است. چین نیز همراه روسیه است؛ چراکه ساقط شدن حکومت سوریه و غلتیدن این کشور به اردوگاه غرب با منافع این کشور قدرتمند ناسازگار است. با فرو افتادن سوریه در دامن غرب، منطقه شامات کلاً به دست اردوگاه کشورهای غربی و مخالف با کمونیسم می‌افتد و باتوجه به اهمیت استراتژیک این منطقه، چنین موضوعی با منافع ملی چین نیز

مخالف خواهد بود.

در این میان، مواضع ترکیه نیز در جایگاه قدرتی منطقه‌ای و همسایه و رقیب ایران نیز بسیار مهم است. از این رو در این مقاله، سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه، هم از بُعد سیاسی و دیپلماتیک و هم از بعد تبلیغاتی و مالی بررسی خواهد شد. هدف از این مقاله بررسی سیاست خارجی دو دولت ایران و ترکیه و مولفه‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار بر آن است تا در سایه تشریح سیاست خارجی دولت‌ها، مواضع و دیدگاه‌های آن‌ها تشریح و تفسیر شود. بنابراین، پس از طرح مفهومی و نظری تحقیق، این هدف در دو گفتار کلی دنبال می‌شود: در گفتار نخست، سیاست خارجی و مواضع دولت ایران بررسی می‌شود و در گفتار دوم، سیاست خارجی و مواضع دولت ترکیه در قبال بحران سوریه. سیاست خارجی هریک از دولت‌ها روشنگر مواضع و عملکرد رفتاری آن‌ها خواهد بود. بدیهی است که شناخت دقیق مواضع دولت‌ها در قبال بحران شکل گرفته در سوریه، بدون شناخت پیشینه و کلیتی از روابط این دولت‌ها با کشور سوریه میسر نیست؛ زیرا سرچشمه بسیاری از روابط و مواضع در تاریخچه روابط دولت‌ها یافت می‌شود. بدین ترتیب به عنوان مقدمه‌ای بر بیان مواضع، به کلیت روابط این دولت‌ها با سوریه اشاره خواهد شد و سپس مواضع آن‌ها و مصادیقی از الگوهای رفتاری آن‌ها آورده می‌شود.

الف. چارچوب نظری

پیش از پرداختن به بحث نظری درباره سیاست خارجی، لازم است با مفهوم سیاست خارجی آشنا شویم. سیاست خارجی در تعریفی عبارت است از اقدام‌های برون‌مرزی تصمیم‌گیران کشور به منظور دستیابی به هدف‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت (رینولدز، ۱۳۸۰: ۸۳). در تعریفی دیگر، سیاست خارجی استراتژی یا رشته‌ای از اعمال از پیش طراحی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی است که مقصود آن دستیابی به اهداف معین در چارچوب منافع ملی و محیط بین‌المللی است (علی‌بابایی، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

هالستی در تعریف سیاست خارجی به اقدامات دولت در قبال محیط خارجی و اوضاع داخلی مؤثر بر اقدامات مزبور اشاره می‌کند و سیاست خارجی را دربرگیرنده مقاصد و ارزش‌ها می‌داند (هالستی، ۱۳۷۳: ۳۲).



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های پایه‌ای جهان اسلام

۷۸

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

روزنا با عنایت به پیوند بین محیط داخل و خارج، به انواع متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی توجه کرده است و پنج دسته از متغیرها را نام می‌برد که عوامل شکل‌دهنده رفتارها در سیاست خارجی است: متغیر ویژگی‌های فردی رهبران، متغیر نقشی، متغیر حکومتی، متغیر اجتماعی و متغیر سیستمی (قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۴۵). درواقع، جیمز روزنا در تحلیل سیاست خارجی کشورها تلفیقی از رهیافت خرد و کلان را در نظر دارد؛ بنابراین، علاوه بر توجه به ویژگی‌های محیط داخلی دولت‌ها، بررسی محیط بین‌الملل را نیز مدنظر داشته است.

سعی وی در جهت دستیابی به مفهوم مناسب برای برقراری ارتباط بین محیط و سیاست خارجی است. بهترین ابزار، مفهوم تغییر است. تغییر نیز باتوجه به تغییرات ایجادشده در مقامات و مستخدمان، رهبران حکومتی، نقش‌ها و نیز محیط اندازه‌گیری می‌شود. حال، تغییر در جامعه و محیط آن ممکن است بسیار یا کم باشد و بدین ترتیب، وی تغییرات را برحسب میزان آن‌ها به صورت زیاد یا کم دسته‌بندی می‌کند. حال، هر دو نوع تغییر ممکن است در داخل یا خارج اتفاق افتد و به این ترتیب، چهار نوع اساسی از چارچوب محیطی به وجود می‌آید که هریک به سیاست خارجی متمایزی شکل می‌دهد.

۱. الگوهای رفتار سیاست خارجی

باتوجه به چهار نوع چارچوب محیطی، چهار الگوی متفاوت از رفتار سیاست خارجی تشخیص داده می‌شود که به ترتیب، عادی، سرزنده، باتدبیر و متشنج نامیده می‌شود:

۱-۱. الگوی عادی: هر دو صحنه داخلی و خارجی آرام است و کمترین حد پیوند را باهم دارند.

۱-۲. الگوی باتدبیر: به سبب تحمیل‌نشدن تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند به صورت دقیقی نحوه کنش در برابر تغییرات خارجی را بررسی کنند. حداقل بحران وجود دارد.

۱-۳. الگوی سرزنده: برای توصیف رفتار سیاست خارجی در موقعیتی به کار می‌رود که تغییر و تحولات داخلی زیاد و تغییرات و تحولات خارجی کم است و بدین سبب، درجه بالای تغییر در داخل به تقاضاهایی منجر می‌شود مبنی بر اینکه مقام‌های مربوط بایستی

سریعاً و با توان کافی برای تغییر محیط و سازگار کردن آن با ساختارهای اساسی جامعه عمل کنند.

۴-۱. الگوی متشنج: وضعی است که در آن، تغییرات داخلی و خارجی در سطح بالایی قرار دارند و رهبران حکومتی بایستی سریعاً به تقاضاهای داخلی و فشارهای خارجی پاسخ مناسب دهند. این الگو، خود، سرچشمه اولیه تنش در سیستم بین‌المللی است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴۳ تا ۴۴۴).

بر این اساس، در صورت برقراری ارتباط بین دو محیط داخل و خارج، این چهار نوع رفتار شکل می‌گیرد که با عنایت به عنصر شدت تغییر در هر دو سطح داخلی و خارجی، می‌توان آن‌ها را به شکل زیر نشان داد:

جدول ۱- چارچوب محیطی سیاست خارجی

تغییرات داخلی	تغییرات خارجی		
		زیاد	کم
	زیاد	متشنج	سرزننده
	کم	باتدبیر	عادی

منبع: (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴۳)

به‌طور کلی، سمت‌گیری کشورها در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی محصول محیطی راهبردی است که در درون آن اقدام به کنش راهبردی می‌کنند. محیط مذکور با ویژگی‌های خاص خود، نوع الگوی رفتاری کشورها را مشخص می‌کند. از ویژگی‌های کلی چنین محیطی ثبات راهبردی در درون آن است. مدل سیاست خارجی براساس این فرض شکل می‌گیرد که سمت‌گیری سیاست خارجی کشورها در عرصه روابط بین‌الملل، محصول تعامل دو محیط داخلی و خارجی است.

درواقع، الگوهای رفتاری از متغیرهای مهم در سیستم روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند؛ بنابراین، این سؤال مهم محسوب می‌شود که علل شکل‌گیری الگوهای رفتاری کدام‌اند؟ در سیر شکل‌گیری الگوهای رفتاری، پیوند بین سطوح خرد و کلان از متغیرهای



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام

۸۰

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

مهم و محل توجه است که نحوهٔ تصمیم‌سازی دولت‌ها را تشریح می‌کند.

از پیوند و کنش متقابل بین محیط داخلی و خارجی، نوعی ثبات یا بی‌ثباتی استراتژیک حاصل خواهد شد که در شکل ۱ نشان داده شده است. در این شکل، به‌خوبی نشان داده شده است که وقتی رفتار استراتژیکی ناشی از محیط داخلی و خارجی کشورها بی‌ثبات باشد، نوعی الگوی رفتاری وابسته شکل خواهد گرفت. زمانی که در محیط داخل و خارج، هم‌زمان ناآرامی و آشوب وجود داشته باشد یا حتی حالت بی‌ثباتی و ناآرامی فقط در محیط داخل وجود داشته باشد، این الگوی رفتاری نقش می‌بندد؛ اما زمانی که آرامش نسبی در داخل و خارج به‌طور هم‌زمان یا باثباتی حداقل در محیط داخلی وجود داشته باشد و میزان تغییرات و فشارهای واردشده اندک باشد، ثبات استراتژیک حاصل خواهد شد که نتیجهٔ این استراتژی، سیاست‌گذاری باثبات خواهد بود.

شکل ۱- محیط استراتژیک سیاست خارجی

محیط داخلی	محیط خارجی	تعامل دو محیط
بی‌ثبات	← بی‌ثبات →	محیط بی‌ثبات (متشنج)
بی‌ثبات	← باثبات →	محیط بی‌ثبات (سرزنده)
باثبات	← باثبات →	محیط باثبات (عادی)
باثبات	← بی‌ثبات →	محیط باثبات (باتدبیر)

منبع: نگارنده

۲- رفتارهای سیاست خارجی

یکی دیگر از مباحثی که جیمز روزنا در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها بدان توجه می‌کند، بحث چگونگی انطباق هر کنشگر دولتی در مواجهه با محیط بیرونی و تقاضاهای ناشی از آن است. از دیدگاه روزنا، سیاست خارجی فرایندی است که از دو بخش تشکیل می‌شود: یکی ورودی‌هایی است که عامدانه یا غیرعامدانه و به‌شکل تقاضا یا مخالفت یا حمایت محیط بیرونی وارد دستگاه تصمیم‌گیری هر کشور می‌شود. این محیط بیرونی ممکن است جامعهٔ بین‌الملل و نهادهای آن یا جامعهٔ سیاسی خاصی باشد؛ دیگری نیز بروندها یا همان تصمیمات و جهت‌گیری‌هایی است که دولت درقبال آن درونداها از خود بروز می‌دهد (Rosenau, 1971: 121-122).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

روزنا معتقد است با ورود این دورنماها، سیاست خارجی دولت جنبه واکنشی به خود می‌گیرد که حاکی از رفتار خارجی آن در پاسخ به تقاضاهای محیطی است. این رفتار واکنشی ممکن است سازگار یا ناسازگار باشد. از نظر روزنا، دولت‌ها به منظور حفظ و صیانت خود در مقابله با محیط، به اقدامات گوناگون از جمله اقدامات انطباق‌گرایانه روی می‌آورند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از انطباق رضایتمندانه و انطباق طغیان‌گرایانه دولت‌ها در مواجهه با محیط بین‌المللی. در انطباق رضایتمندانه، واحد تحلیلی چون با خطر داخلی مواجه نیست، رضایتمندانه تن به انطباق می‌دهد و در انطباق طغیان‌گرایانه، از آنجا که در واحد تحلیلی تقاضاهای داخلی بر تقاضاهای خارجی تقدم می‌یابند، این واحد اقدامات انطباق طغیان‌گرایانه‌اش را صرف حفظ ساختارهای ضروری نظام می‌کند و چندان نمی‌تواند به انطباق با محیط خود بپردازد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۱ تا ۱۰۲).

ب. سیاست خارجی و مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه

۱- عوامل محیطی مؤثر بر سیاست خارجی ایران ۱-۱. مؤلفه‌ها و عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

یکی از منابع تعیین‌کننده سیاست خارجی دولت ایران، ویژگی‌ها و خصوصیات جامعه و کشور ایران است؛ به گونه‌ای که درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی ایران، مستلزم شناخت خصوصیات ملی جامعه ایران است. منابع ملی سیاست خارجی دولت ایران شامل متغیرهای جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). طرح عوامل و متغیرهای داخلی تعیین‌کننده در سیاست خارجی ایران، در چارچوب محیط عملیاتی، بخشی از عوامل شکل‌دهنده سیاست خارجی آن را در گستره بین‌الملل روشن می‌سازد. در این راستا، متغیرهای اصلی مربوط را می‌توان به گونه زیر مطرح ساخت:

- ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی؛
- ویژگی‌های اجتماعی از جمله اسلام، ایدئولوژی، تاریخ، ملی‌گرایی؛
- ویژگی‌های سیستم سیاسی و عامل قدرت؛
- ویژگی‌های اقتصادی و فشارها و محدودیت‌های منابع؛
- متغیرهای فوق پدیدآورنده اهداف و منافع است که کشور باید آن‌ها را در صحنه بین‌المللی پیگیری کند (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۷: ۸۵).

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک، ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخست، ایران کشوری بین‌المللی است که همواره محل توجه کانون‌های قدرت بین‌المللی قرار داشته و در معادلات جهانی نقشی برجسته ایفا می‌کند. دوم، ایران در مرکزیت و محوریت مناطق ژئوپلیتیک متداخلی قرار دارد که به واسطه دارا بودن موقع راهبردی دریایی و زمینی و تنگه‌ای، از نقش و جایگاه برتری برخوردار است. سوم، ایران از موقعیت ژئواکونومیک راهبردی خاص سود می‌برد که آن را در مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی جهان قرار می‌دهد. برآیند این سه ویژگی جغرافیایی، الزام و ایجاب گونه‌ای سیاست خارجی برون‌گرا مبنی بر توسعه روابط با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۲ تا ۲۲۵). خصوصياتی همچون جامعه در حال گذار، جمعیت جوان، همگونی نژادی و دینی و فرهنگی، ناهمگونی قومی و زبانی و مذهبی، ساختار طبقاتی، سطح توسعه اجتماعی و ماهیت گروه‌های اجتماعی و جناح‌بندی‌های سیاسی مختلف، از جمله عوامل و عناصر مهم اجتماعی هستند که مستقیم و غیرمستقیم بر سیاست و رفتار خارجی جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارند و به آن شکل می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۲).

از منظر سیاسی، شواهد نشان می‌دهند که جهت‌گیری سیاست خارجی ایران، براساس نشانه‌هایی از تجدیدنظرطلبی نسبت به وضع موجود نظام بین‌الملل و سیاست «نه شرقی، نه غربی» سازمان‌دهی شده است. در چنین وضعی، الگوی رفتاری ایران در قالب ایدئولوژیک ترسیم می‌شود (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۲)؛ برای مثال مقاومت‌گرایی. به‌طور کلی، می‌توان نشانه‌هایی از رفتار انقلابی و چالش در برابر قدرت‌های بزرگ و همچنین نقد حکومت‌های محافظه‌کار منطقه‌ای را در رفتار سیاست خارجی ایران مشاهده کرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۸). بر مبنای این جهت‌گیری ایدئولوژیک، تعارض ایران و اسرائیل شکل گرفته است و ایران هیچ‌گاه رژیم صهیونیستی را به‌عنوان دولت به رسمیت نشناخته و نپذیرفته است (مشیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

از عوامل اقتصادی بسیار مهمی که به‌صورت مقطعی بر سیاست خارجی ایران تأثیر گذار بوده است، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد: ۱. مسائل و مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ؛ ۲. نفت به عنوان حامی اقتصاد و سیاست خارجی ایران؛ ۳. انرژی هسته‌ای. انرژی هسته‌ای

برای ایران به قدری مهم است که ایران به خاطر آن جسارت و مقاومت بیشتری در مقابل فشارهای مجامع بین‌المللی از خود نشان می‌دهد و حاضر شده تا برخی تحریم‌های اقتصادی را تحمل کند (صفوی همای، ۱۳۸۷: ۸۱ تا ۸۳).

جدول ۲- ویژگی‌های محیطی دولت ایران و تأثیر آن بر سمت‌گیری سیاست خارجی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری آنان

نوع حکومت و ایدئولوژی سیاسی	ویژگی‌های اقتصادی	ویژگی‌های ساختار سیاسی	ویژگی‌های ساختار اجتماعی	ویژگی‌های جغرافیایی	ویژگی‌های جمعیتی	
جمهوری اسلامی ایدئولوژی اسلام	تک محصولی بودن و وابستگی به نفت و گاز عدم توازن بین بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی	تسلط طبقه روحانی و مذهبی جایگاه قدرتمند جناح‌ها و سیاست‌های جناحی	ترکیب قومی، زبانی و مذهبی، وحدت اجتماعی در عین کثرت. برخورداری از تجانس مذهبی جایگاه ممتاز طبقه روحانیون	مساحت ۵۹۱۸۶۱ کیلومتر مربع ۱۳۷۸ کیلومتر مرز مشترک و ویژگی منحصر به فرد ژئوپلیتیکی	جوانی جمعیت اکثریت شیعه حدود ۶۰ میلیون نفر	ایران
محیط داخلی باثبات و تا حدودی با قدرت						نتیجه

منبع: نگارنده

۲- مؤلفه‌ها و عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

۱-۲-۱. ساختار سیستمی نظام بین‌المللی

ایران به دلیل واقع شدن در منطقه استراتژیکی خلیج فارس، دائماً تحت فشارهای سیستمیک بین‌المللی و منطقه‌ای قرار دارد. مهم‌ترین فشار سیستمی خارجی در سطح بین‌المللی برای ایران، فشار ناشی از ساخت کنترل موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت ایالات متحده آمریکا است. ساخت چنین کنترلی را می‌توان به صورت شکل ۱-۳ نشان داد. در این ساخت، قدرت هژمونیک ایالات متحده در پی مهار ایران است و با استفاده از ابزارهای موازنه قدرت و مداخله‌گری، در نیل به این هدف تلاش می‌کند. ایران نیز به شدت تحت تأثیر این



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت تراسات العالم الاسلامی

۸۴

سال سوم ، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

سیاست‌های کنترلی قرار گرفته و تهدیدهای ناشی از این فشارهای شدید، سیاست خارجی ایران را سخت تحت‌تأثیر قرار داده است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران را باید متغیرهای سطح سیستمی دانست.

۱-۲-۲. فشارهای سیستمی منطقه‌ای

متغیرهای سیستمی ارتباط و پیوند نزدیکی با متغیرهای منطقه‌ای دارند؛ چراکه منطقه به‌عنوان سیستم تابع، بخشی از سیستم محسوب می‌شود و بین این دو، یعنی سیستم کلان و اجزای آن یعنی سیستم‌های تابع، در سطح فرایندها و ساختارها و در نتیجه تهدیدها و فرصت‌های موجود، ارتباط متقابلی برقرار است. ایران از بعد منطقه‌ای دارای جایگاه ژئوپلیتیک بسیار مهمی است؛ چراکه به‌صورت هم‌زمان با دو سیستم تابع منطقه‌ای خلیج فارس و شامات و همچنین سیستم تابع آسیای مرکزی و قفقاز در ارتباط است. در سیستم تابع خلیج فارس، زمینه‌ها به‌گونه‌ای است که پیوندی مستحکم بین سیستم بین‌المللی و کارگزار اصلی آن یعنی ایالات متحده و نظم منطقه‌ای آن فراهم می‌سازد که خود ممکن است سبب‌ساز شکل‌گیری تهدیدهای مختلفی باشد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۵۰).

۲- سیاست خارجی و مواضع ایران در قبال بحران سوریه

۱-۲-۱. مدل سیاست خارجی ایران

بنا به آنچه گذشت، سیاست خارجی ایران تحت‌تأثیر دو گروه از متغیرهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد و بر آن اساس شکل می‌گیرد. مطابق با نظریه در چنین وضعی الگوی سیاست خارجی با تدبیر شکل می‌گیرد.

جدول ۳- رابطه بین محیط داخلی و خارجی دولت ایران و شکل‌گیری الگوی رفتاری در بحران سوریه

سیاست خارجی کشور ایران	دولت محیط
باثبات	محیط داخلی
بی‌ثبات	محیط خارجی
باتدبیر	نتیجه

منبع: نگارنده

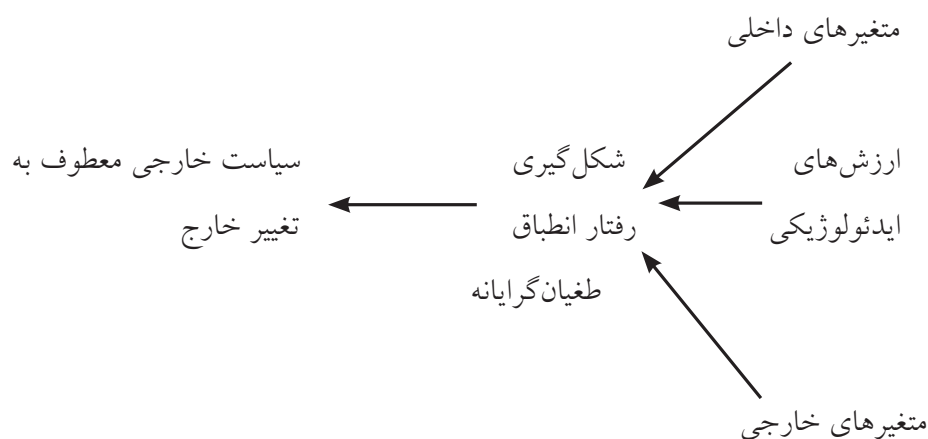
در سیاست باتدبیر، انتظار آن است که رفتار انطباقی رضایتمندانه شکل گیرد؛ یعنی آنکه در چنین موقعیتی، الگوی رفتاری مستقل شکل می‌گیرد و واحد دولت محیط به‌نحو رضایتمندانه تن به انطباق با محیط خارجی می‌دهد. درمورد ایران، دخالت متغیر «ارزش‌های ایدئولوژیکی» باعث می‌شود تا ایران اسلامی نظم موجود جهانی را قبول نداشته و به‌نحو رضایتمندانه با آن همسو نشود. درمورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توان چنین ابراز نظر کرد که تعامل میان متغیر فشارهای محیط خارجی و متغیر فشارهای محیط داخلی و همچنین متغیر ارزش‌های ایدئولوژیکی باعث آن شده که سیاست، با تدبیر و الگوی رفتاری، مستقل باشد؛ ولی چون ارزش‌های محیط خارجی با ارزش‌های انقلاب اسلامی ناسازگار است، تن به انطباق با فشارهای محیط خارجی ندهد.

در چنین حالتی، به‌جای الگوی رفتاری انطباق رضایتمندانه، الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه شکل گرفته است که سازوکاری برای سازش بین منافع و اصول ازسویی و توان‌ها و محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها ازسوی دیگر است. متغیر ارزش‌های ایدئولوژیکی باعث آن می‌شود که سیاست خارجی ایران معطوف به تغییر خارج و در نتیجه مخالفت با سیاست‌های هژمون باشد.

در نتیجه‌گیری کلی دربارهٔ دولت ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که این کشور در محیط عملیاتی سیاست خارجی خود با نوعی فشار ساختاری عمدهٔ محیط بین‌المللی و سیستمی روبه‌رو بوده است. تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخاصمی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم از طریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و نیز فشارهای ناشی از بافت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوری آمریکا، به‌عنوان قدرت هژمون در برابر ایران، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ایران منجر شده است.

درمقابل، در محیط داخلی ایران در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل این دو محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود. در این حالت، در دولت ایران به‌سبب عدم تحمیل تقاضاهای داخلی، مقام‌های مربوط می‌توانند به‌صورت دقیقی نحوهٔ کنش خود را در برابر فشارهای خارجی بررسی قرار دهند. براساس این مبانی نظری، نحوهٔ موضع‌گیری ایران در برابر سوریه و ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را به‌خوبی می‌توان بررسی کرد.

شکل ۲- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه در سیاست خارجی ایران



منبع: نگارنده

۲-۲. مواضع و دیدگاه‌های دولت ایران در قبال بحران سوریه ۲-۲-۱. ماهیت و کلیات روابط ایران و سوریه

مناسبات سی سال گذشته جمهوری اسلامی ایران و سوریه حکایت از رشد عمیق روابط سیاسی و امنیتی دو کشور مذکور دارد. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، ویژگی رهبران دو کشور، دشمنان و دوستان مشترک منطقه‌ای و نیازهای داخلی دو کشور، موجبات نزدیکی هرچه بیشتر مناسبات ایران و سوریه را پدید آورده است (ایزدی و اکبری، ۱۳۸۹: ۲۹).

علاوه بر این، تغییر رویکرد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از هم‌پیمانی با آمریکا و اسرائیل به تعارض با این دو کشور، برای سوریه خوشایند بود و این کشور به صورت طبیعی توانست در کنار ایران قرار گیرد. البته دیگر عامل مهم گرایش این دو کشور به یکدیگر وجود دشمن مشترک، یعنی رژیم بعثی عراق، بود. همان‌طور که در سطور فوق اشاره شد، هم‌پیمانی ایران و سوریه طی سی سال گذشته ضرورت بود، نه انتخاب و این ضرورت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و افزایش فشار آمریکا به ایران و سوریه و مقاومت اسلامی، بیش از پیش احساس شد (همان: ۴۳ تا ۶۳).

۲-۲-۲. مواضع سیاسی و دیپلماتیک ایران

جمهوری اسلامی ایران از آغاز این بحران، دیدگاه خود را بر دو اصل استوار کرد: خودداری از جنگ و پذیرش آرای مردم با برگزاری انتخابات. نشست تهران که در آن بیش از دویست نفر از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و طایفه‌ای سوریه شرکت کردند، بار

دیگر تأکید بر این دو اصل را برای حل بحران سوریه نشان داد. محور اصلی طرح ایران توقف خشونت و کشتار، برقراری آتش‌بس و آغاز گفت‌وگوی فراگیر ملی و فراهم ساختن زمینه برگزاری انتخابات بود (افشار، ۱۳۹۱: ۳).

دیدگاه کلی ایران درخصوص بحران سوریه بر سه محور استوار است: توقف خشونت و کشتار سوریه، عدم مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان و همچنین ضرورت اصلاحات داخلی؛ درواقع، خواسته جمهوری اسلامی ایران تحقق امنیت و ثبات در منطقه و جلوگیری از خشونت‌ها و انجام اصلاحات قانونی است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۱). مسئله فلسطین نیز دراین میان مطرح است. وجود ایران و سوریه و لبنان در کنار هم و تداوم خط مقاومت باعث شده است تا اسرائیل نتواند زیاده‌خواهی‌های خود را گسترش دهد و خواسته‌های خود را به فراتر از وضع موجود ببرد؛ اگرچه تحولات سوریه تا اندازه‌ای بر این معادله تأثیر گذاشته است (روزنامه النهار به نقل از: دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱/۰۶/۱۹). به‌ویژه که کشورهای غربی نیز می‌کوشند در معادلات جدید دخالت کنند و این دخالت بی‌شک به نفع ایران صورت نخواهد گرفت. درمقابل، ایران در عرصه منطقه‌ای تمام تلاش خود را به کار گرفته تا مانع تحقق اهداف غرب و سقوط نظام سوریه شود که این موضوع در سخنان مقامات بلندپایه ایرانی مشهود است (حیدری، ۱۳۹۱: ۲).

جمهوری اسلامی ایران از ماه‌های نخستین وقوع بحران در سوریه و در ارزیابی رویدادهای داخلی این کشور، برآوردهای دوجهی خود را درباره این بحران ارائه کرد. برآورد دوجهی ایران از تحولات سوریه این بود که ملت سوریه در سایه تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا، مطالبات برحق دارد که دولت این کشور باید بدان‌ها توجه کند و پاسخ درخور بدهد. این وجه اول ماجراست. وجه دوم بحران سوریه، مطابق ارزیابی‌های دقیق و همه‌جانبه ایران از روند اوضاع خاورمیانه، این بود که ایالات متحده آمریکا طی کمتر از یک سال، دو متحد استراتژیک خود یعنی حکومت‌های مصر و تونس را که محور میانه به‌شمار می‌رفتند، به‌عقیده بسیاری از کارشناسان، با انقلاب اجتماعی از دست داد و اکنون قصد دارد ازطریق بحران‌سازی در محور مقاومت منطقه‌ای، یعنی سوریه، تا آنجا که ممکن است فقدان دو متحد سستی را جبران کرده و خطوط تماس با حوزه امنیت رژیم صهیونیستی را همچنان آرام نگه دارد و محور مقاومت را در منطقه

تضعیف کند (موسوی، ۱۳۹۱: ۷). کودتای جدید را در مصر علیه مرسی و اسلام‌گرایان در این کشور (۲۰۱۳)، در همین راستا می‌شود ارزیابی کرد. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره تأکید کردند:

«هدف اصلی طراحی آمریکا در سوریه، ضربه‌زدن به خط مقاومت در منطقه است؛ زیرا سوریه از مقاومت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند. سوریه امروز با توطئه دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌روست.

سیاست‌های راهبردی سوریه، توطئه‌های رژیم صهیونیستی را همواره با شکست روبه‌رو کرده و همچنین سوریه مانعی بر سر راه اجرای طرح‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه است. به‌همین علت امروز سوریه، هم از سوی برخی کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس و هم از سوی برخی کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، با توطئه روبه‌روست» (سایت رسمی رهبری انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۱).

ازجمله دیگر اقدامات دیپلماتیک ایران در قبال بحران سوریه و فرایندهای جهانی آن، به واکنش دولتمردان به صدور قطعنامه سازمان ملل نیز می‌توان اشاره کرد (روزنامه کیهان، ۱۳۹۲/۰۲/۲۸: ۲).

درمجموع، ایران به‌عنوان مهم‌ترین حامی دولت سوریه و ثبات آن کشور، ملاحظات مختلفی در سیاست خود در قبال سوریه مدنظر دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها موضوع اسرائیل و محور مقاومت است. از سوی دیگر، بحث نفوذ و قدرت ایران در منطقه و رقابت با کشورهای عربی و ترکیه از دیگر دلایل حمایت ایران از نظام سوریه است. ایران بر حفظ و برقراری آرامش در سوریه پافشاری می‌کند تا ضمن ایستادگی در برابر اعراب، از شیعیان سوریه نیز حمایت کند. کلیت خود این مسئله، یعنی بحث شیعه و سنی، از دیگر دلایلی است که ایران را حامی نظام سوریه قرار می‌دهد (مؤسسه اندیشه و عمل پویا، ۱۳۹۱/۰۶/۱۲).

پ- سیاست خارجی و مواضع دولت ترکیه در قبال بحران سوریه

۱- عوامل محیطی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

۱-۱. مؤلفه‌ها و عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

عواملی نظیر ارتش، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های تجاری خصوصی و مالی و کارگری، مطبوعات و افکار عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی ترکیه دارند (دفتر



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشهای یاسی جهان اسلام

۹۰

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶: ۲۲۷). علاوه‌براین، دیدگاهی کلاسیک این است که سیاست خارجی ترکیه تا حد بسیاری از جغرافیا و موقعیت استراتژیک آن متأثر است. علاوه‌بر جغرافیا، سیاست خارجی ترکیه از تاریخ و اقتصاد هم ناشی می‌شود. این متغیرها به‌طور کلی منابع و مجراهای سیاست خارجی ترکیه مدرن بوده و سنت‌های رفتاری آن را خلق کرده‌اند (طاهایی، ۱۳۸۰: ۲۲۸).

اروپایی‌آسایی بودن، ترکیه را از نظر موقعیت ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده است. با فروپاشی اتحاد شوروی، بر این اهمیت افزوده شده است (دهی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). جمهوری ترکیه کشوری است با نظام سیاسی لائیک که رسماً به‌صورت دموکراتیک اداره می‌شود و نهادهای مدنی و سیاسی و حقوقی آن با معیارها و هنجارهای غربی منطبق است (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۰).

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت ترکیه، نوعی هم‌خوانی و نزدیکی بین منافع ملی ترکیه با گرایش به غرب وجود داشت. اما پس از رشد اسلام‌گرایی در منطقه خاورمیانه و افزایش فعالیت جنبش‌های اسلامی در حوزه بازیگری ترکیه، این کشور با واقعیت‌های جدیدی روبه‌رو شد. بازیگران عرصه سیاست خارجی ترکیه در این وضعیت جدید ژئوپلیتیکی به این نتیجه رسیدند که تأکید بر ایدئولوژی لائیسیته و غرب‌گرایی و نگاه تک‌بعدی به غرب، باعث ایجاد مانع بر سر راه اهداف سیاست خارجی این کشور شده است. بنابراین، این کشور هم‌زمان با اوج‌گیری جریان‌ات اسلام‌گرایی، به‌سوی جبهه اسلامی تمایل نشان داد؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های ۱۹۹۵، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ احزاب اسلام‌گرای ترکیه در انتخابات پارلمانی به پیروزی رسیدند. هماهنگی این گرایش ترکیه به اسلام سیاسی با اقتضائات ژئوپلیتیکی حوزه بازیگری آن، بیانگر اهمیت منافع ملی در دیدگاه بازیگران ترک است (متقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۲).

نظام سیاسی ترکیه در عمل، نظامی مبتنی بر مشارکت توده‌ای مردم نبوده و احزاب همواره در این کشور، با وجود ضعف‌های فراوان، فعال بوده و قادر به پیشبرد مشارکت سازمان‌دهی شده بوده‌اند. با وجود این، در برخی موارد، به‌دلیل دخالت‌های نظامیان در سیاست، مشارکت مردم در قالب احزاب، به‌معنای واقعی به تأثیرگذاری آن‌ها در عرصه سیاسی منجر نشده است. علاوه‌براین، تنوع قومیت‌ها و مسئله کردها نیز بر سیاست خارجی

ترکیه مؤثر بوده است (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲).

جدول ۴- ویژگی‌های محیطی دولت ترکیه و تأثیر آن بر سمت‌گیری سیاست خارجی و شکل‌گیری

الگوهای رفتاری آنان

متغیرهای مربوط دولت	ویژگی‌های جمعیتی	ویژگی‌های جغرافیایی	ویژگی‌های ساختار اجتماعی	ویژگی‌های ساختار سیاسی	ویژگی‌های اقتصادی	نوع حکومت و ایدئولوژی سیاسی
ترکیه	اکثریت مسلمان حدود ۷۰ میلیون نفر	مساحت ۸۷ هزار و ۸۵ کیلومتر مربع - اهمیت ژئوپلیتیک به دلیل مرزهای آسیایی اروپایی و اتصال سه‌طرفه به دریا	اسلام‌گرایی ملی‌گرایی غرب‌گرایی	اهمیت پوپولیسم و مردم‌گرایی در ایدئولوژی کمالیسم در عرصه عمل نقش اصلی در نظام سیاسی را نخبگان و نظامیان ایفا می‌کنند	اقتصاد سرمایه‌داری متکی بر اقتصاد بازار آزاد - تحولات صنعتی و تجاری رو به رشد	جمهوری ایدئولوژی لایک
محیط داخلی باثبات و تا حدودی با قدرت						نتیجه

منبع: نگارنده

با وجود اینکه نوع نظام سیاسی ترکیه جمهوری است و در پارلمان این کشور، جمله «حاکمیت از آن ملت است» با خط درشت حک شده است، قانون اساسی ترکیه ارتش و نه مردم را حافظ نظام جمهوری می‌داند. درحالی‌که پوپولیسم و مردم‌گرایی در ایدئولوژی کمالیسم اهمیت خاصی دارد، در عرصه عملی سیاست در ترکیه، همواره نخبگان بوده‌اند که همانند دوران امپراتوری عثمانی، نقش اصلی و محوری را در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور ایفا کرده‌اند (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

اقتصاد تا حدودی رو به توسعه ترکیه نیز در جهت‌گیری سیاست خارجی آن بی‌تأثیر نبوده است. ترکیه کشوری است با سیستم اقتصاد سرمایه‌داری و متکی بر اقتصاد بازار آزاد. اگرچه در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان، ترکیه کشوری فقیر محسوب می‌شود، ارتقای مقام این کشور به مقام هفدهم در میان ۲۴ کشور پیشرفته جهان نشان‌دهنده این



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

موضوع است که ترکیه راه خود را به‌سوی توسعه صنعتی باز کرده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶: ۸۲).

۲-۱. مؤلفه‌ها و عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

به‌یقین، در این باره باید به نقش مؤثر کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا اشاره کرد. ترکیه همچنین به‌علت عضویت در ناتو و سعی این کشور برای عضویت کامل در اتحادیه اروپا، ناچار شده است در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، به نظرهای خواسته‌های کشورهای غربی توجه کند. عوامل دیگری همچون حساسیت اروپا درخصوص حرکت کردهای ترکیه و نیز روابط اسرائیل و ترکیه باعث رویکردهای جدید در سیاست خارجی سنتی ترکیه شده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

۱-۲-۱. ساختار سیستمی نظام بین‌المللی

ترکیه در طول تاریخ جدید خود، هویتش را در رابطه با غرب و به‌خصوص اروپا تعریف کرده است و با ایالات متحده نیز روابطی نزدیک دارد. درباره روابط ترکیه با خاورمیانه، می‌توان گفت به‌رغم این واقعیت که قسمت زیادی از میراث فرهنگی ترکیه از این منطقه سرچشمه گرفته، این کشور به این منطقه توجه کمی کرده است (بزداغلی اوغلو و حمیدپور، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

در تحلیل کلان، درحال حاضر دموکراسی‌سازی و جهانی‌شدن و اسلام‌گرایی سه متغیر بین‌المللی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه هستند. بحث دموکراسی‌سازی در پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و در ارتباط با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) موضوعیت می‌یابد. بحث جهانی‌شدن نیز در تضعیف حاکمیت دولت و از مجرای تلاش در جهت اروپایی‌شدن، بر سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده است. اسلام‌گرایی نیز به‌عنوان روند کلان جهانی تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست خارجی ترکیه بعد از جنگ سرد داشته است (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۶). در مجموع، در نظام بین‌الملل جهانی شونده بعد از جنگ سرد و مخصوصاً در ابتدای هزاره سوم، مسائل امنیتی مشترک بین‌المللی بر سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده‌اند. ناسیونالیسم قومی، بیگانه‌هراسی، جدایی‌طلبی، بنیادگرایی و تروریسم بین‌الملل، تنها بخشی از مسائل امنیتی مشترک بین‌المللی هستند که بر سیاست



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشهای پایه‌ای جهان اسلام

۹۲

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

خارجی ترکیه تأثیر گذاشته‌اند.

پیامدهای تحولات اروپای شرقی، منازعات بالکان، به‌چالش کشیده‌شدن فلسفه وجودی و هویت ناتو، تحولات قفقاز و آسیای مرکزی و خاورمیانه، حمله به عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، از تأثیرات مهم نظام بین‌الملل در عملیاتی‌شدن هریک از دو جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه (غرب‌گرایی و منطقه‌گرایی) بوده است (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۶ تا ۱۹۷).

۱-۲-۲. ساختار سیستمی منطقه‌ای

با عنایت به فلسفه حکومتی بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست گرایش به غرب به‌عنوان اصل اول کمالیسم، موضع‌گیری سیاست خارجی ترکیه درقبال منطقه را تحت تأثیر قرار داده بود؛ به‌گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه خاورمیانه را در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی ترکیه قرار می‌داد. این وضعیت تا نیمه دهه شصت ادامه یافت. از این زمان به‌بعد، ترکیه در منطقه با دو مسئله عمده مواجه شد که این کشور را وادار کرد در پابندی به اصل کمالیسم تجدیدنظر کرده و در سیاست خارجی خود، به مسائل منطقه توجه بیشتری بکند: ۱. بروز مسئله قبرس و منازعه یونان و ترکیه بر سر جزیره تیرس؛ ۲. بحران نفتی سال ۱۹۷۳ به‌عنوان شوک نفتی. از زمان شروع جنگ نفت (اشغال کویت توسط عراق) و سقوط شوروی در بلوک شرق، معادلات امنیتی به‌ضرر ترکیه تغییر یافت. در این زمان، ترکیه احساس کرد که باید سیاست سنتی مداخله‌نکردن در مناقشات منطقه‌ای را کنار بگذارد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

برای تحلیل دقیق‌تر سیاست منطقه‌ای ترکیه، باید به سه نگرش موجود در سیاست خارجی این کشور پس از جنگ جهانی دوم اشاره کرد: مرحله اول، پس از جنگ جهانی دوم، از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۹۰ که مبتنی بر مداخله‌نکردن در منازعات منطقه‌ای بود. در مرحله دوم، یعنی دهه ۱۹۹۰، در دوره تورگوت اوزال، مرحله جدیدی در سیاست خارجی و خاورمیانه‌ای ترکیه ایجاد شد. در این مرحله، ترکیه عملاً می‌خواهد نقش جدیدی در خاورمیانه ایفا کند و این آغاز رشد ترکیه به‌مثابه بازیگر مهم در مناقشات خاورمیانه‌ای است. این نگرش تا سال ۲۰۰۳ بر سیاست خارجی ترکیه حاکم بود. مرحله سوم یا همان



انجمن مطالعات جهان اسلام

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

دوره اردوغان، فصلی است که اردوغان در جایگاه بازیگر فعال منطقه‌ای به دنبال ایفای نقش و نشان دادن وزن سیاسی است (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹: ۴۸ تا ۴۹).

۲. سیاست خارجی و مواضع دولت ترکیه در قبال بحران سوریه

۲-۱. مدل سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه

بدین ترتیب، سیاست خارجی ترکیه تحت تأثیر دو گروه از متغیرهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد و بر آن اساس شکل می‌گیرد. مطابق با نظریه جیمز روزنا در چنین وضعی الگوی سیاست خارجی باتدبیر شکل می‌گیرد.

جدول ۵- رابطه بین محیط داخلی و خارجی دولت ترکیه و شکل‌گیری الگوی رفتاری در بحران سوریه

سیاست خارجی کشور ترکیه	دولت محیط
اثبات	محیط داخلی
بی‌ثبات	محیط خارجی
باتدبیر	نتیجه

منبع: نگارنده

در کشور ترکیه، در این زمان فشار و محدودیت از جانب محیط داخل کم است و در مقابل، از جانب محیط خارج به دلیل گرایش این کشور به قدرت‌های برتر و همراهی با آن‌ها و تمایل برای الحاق و پذیرفته شدن توسط آن‌ها، فشار و محدودیت وجود دارد. به سبب تحمیل نشدن تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند نحوه کنش در برابر تغییرات خارجی را به صورت دقیقی بررسی کنند. در نتیجه، در اینجا چون تقاضاهای خارجی بیش از تقاضاهای داخلی اهمیت می‌یابد، خشنودانه تن به انطباق می‌دهد و سیاست خارجی باتدبیر نتیجه می‌شود. در سیاست باتدبیر، انتظار آن است که رفتار انطباقی رضایتمندانه شکل گیرد؛ یعنی آنکه در چنین موقعیتی، الگوی رفتاری مستقل شکل می‌گیرد و واحد دولت محیط به نحو رضایتمندانه تن به انطباق با محیط خارجی می‌دهد.



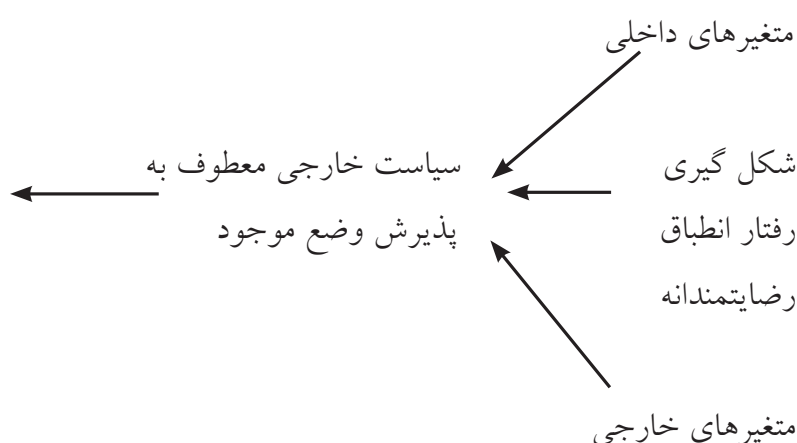
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای یاسی جهان اسلام
جمعیه تراسات العالم الاسلامی

۹۴

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

در نتیجه‌گیری کلی درباره دولت ترکیه، می‌توان گفت تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخصصی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم از طریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و نیز فشارهای اروپا و آمریکا برای شرایط پذیرفته‌شدن این کشور در بین آنها، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ترکیه منجر شده است. درمقابل در محیط داخلی ترکیه، در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود.

شکل ۳- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه در سیاست خارجی ترکیه



منبع: نگارنده

گفتنی است که سیاست خارجی ترکیه تا قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به‌رهبری رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر این کشور، وابستگی شدیدی به غرب داشت و درقبال تحولات محیطی خود، به‌ویژه در حوزه خاورمیانه و جهان اسلام، ابتکار عمل معناداری نداشت؛ اما بعد از سال ۲۰۰۳، رویکرد سیاست خارجی ترکیه چندجانبه‌گرایی را جانشین غرب‌گرایی محض کرد.

از سال ۲۰۱۱ که فضای انقلابی جهان عرب با ظهور بیداری اسلامی همراه شد، ورود ترکیه به معادلات سیاسی و امنیتی جهان عرب، بسیاری از آرایش‌ها و ترتیبات قدیمی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

سیاست و امنیت را در این منطقه به بازتعریف مجبور کرد. ترکیه در مواجهه با خیزش‌های مردمی در مصر و تونس، توانست سیاست نسبتاً مستقلی عرضه کند؛ اما درمورد لیبی، به دلیل اینکه ترک‌ها با اهداف امنیتی غرب مواجه شدند، درنهایت، ارائه سیاست مستقل را متناسب با منافع خویش ندانستند و همسویی با سیاست‌های غرب را آغاز کردند. درعین حال، دولت ترکیه رویکرد سیاسی امنیتی خود را درقبال تحولات داخلی سوریه، همسو با آمریکا و مجموعه غرب تنظیم کرد (فلاح، ۱۳۹۱).

۲-۲. مواضع و دیدگاه‌های دولت ترکیه درقبال بحران سوریه

۲-۲-۱. ماهیت و کلیت روابط ترکیه و سوریه

ترکیه و سوریه از گذشته تابه حال، در روابط دوجانبه خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اند. در این میان، سه اختلاف اصلی همواره بر روابط این دو کشور سایه افکنده است: مسئله کردها و تقسیم منابع آبی مشترک و ادعای ارضی سوریه بر استان هاتای ترکیه.

هر دو کشور از موقعیت ژئواستراتژیکی بسیار مهمی در منطقه برخوردارند. طی دهه گذشته در چارچوب سیاست منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه، فصل جدیدی از روابط، در ابعاد مختلف، میان دو کشور سوریه و ترکیه آغاز شد (اسکینگر، ۲۰۱۱) و روابط ترکیه و سوریه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه بهبود یافت و از وضعیت تنش‌زای سال‌های دهه ۱۹۹۰ به سطح شراکت راهبردی ارتقا پیدا کرد. حجم مبادلات بازرگانی دو کشور جهش چشمگیری داشت. مناسبات دو کشور در دو سال اخیر آن‌چنان توسعه یافته بود که برای اولین بار در تاریخ معاصر، ارتش سوریه در مانورهای نظامی ترکیه شرکت می‌کند. هر شش ماه یک بار، نشست کمیسیون عالی راهبردی میان دو کشور در سطح نخست‌وزیری برگزار می‌شد؛ ولی اکنون مناسبات دمشق و آنکارا در ابعاد مختلف دچار آسیب و تنزل شده است (فلاح، ۱۳۹۱: ۸) و شواهد حاکی از این است که ترکیه خواستار براندازی دولت سوریه است.

۲-۲-۲. مواضع سیاسی و دیپلماتیک ترکیه

با شروع تحرکات در سوریه، موضع ترکیه نیز به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل شده است. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد، از میانجیگری و داوری به مهیا کردن امکانات



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت تراسات العالم الاسلامی

۹۶

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲



و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. چندی بعد از شروع حوادث سوریه، رهبران ترکیه طرفین را به خویشتن‌داری و مماشات دعوت می‌کردند و همچنان بشار اسد را به رسمیت می‌شناختند؛ اما با گذشت زمان، ترک‌ها عزم خود را برای سرنگونی اسد جزم کردند و در این مسیر، از هیچ اقدامی حتی تهدید به حمله نظامی فروگذار نکردند (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

رهبران ترکیه با در نظر گرفتن سیاست نو عثمانی‌گری، به طرح‌ریزی سیاست‌ها و عملکرد خود در منطقه پرداخته‌اند. در این مرحله، رهبران ترکیه به فاز دوم این سیاست گام گذاشته یا به عبارتی دیگر، بعد از صفر کردن مشکلات با همسایگان به عنوان فاز اول طرح، نوبت خیز ترکیه به عنوان بازیگر قدرتمند و اول منطقه‌ای می‌رسد و در حال حاضر، راه آن از دمشق می‌گذرد.

همان‌گونه که اردوغان گفته، سوریه دروازه ترکیه به خاورمیانه عربی است. در واقع، تنها مسیری که ترکیه در حال حاضر به آن امیدوار است تا بتواند از راه تغییر در آن، موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد، سوریه است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل بازی‌های اخیر ترکیه، خلاص شدن از تنگنای شدید جغرافیایی است. تنگنای جغرافیایی ترکیه را می‌توان این‌گونه توضیح داد که ترکیه به خلاف ایران و روسیه و مصر، در منطقه‌ای خاص واقع نشده است که بتواند هویت آن منطقه را به خود بگیرد؛ بنابراین، سیاست خارجی خود را باید بر همین اساس پایه‌ریزی کند. ترکیه با اروپا، خاورمیانه، قفقاز و بالکان همسایه است؛ اما جزو هیچ‌یک از آن‌ها نیست و در عین حال، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود، ناگزیر از تعامل با آن‌هاست (قهرمان‌پور: ۱۳۸۸). در این میان، روابط نزدیک حزب عدالت و توسعه ترکیه را با اخوان المسلمین سوریه که مهم‌ترین بخش اپوزیسیون این کشورند نیز باید در نظر داشت. در واقع، از نظر بسیاری از ناظران، با توجه به نفوذ ترکیه بر بسیاری از جریانات اپوزیسیون سوری، بحران اخیر در سوریه ممکن است زمینه افزایش نفوذ ترکیه را در این منطقه فراهم آورد (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

با آغاز درگیری‌ها در سوریه، دولت ترکیه به سرعت به مخالفت با نظام حاکم سوریه برخاست؛ اقدامات ضد نظام سوریه به همین جا ختم نشد و ترکیه برای مخالفان نظام سوریه، در خاک خود اردوگاه نظامی ایجاد کرد و حتی کنفرانس‌های مخالفان را در



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشهای بانی جهان اسلام

۹۸

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

استانبول برگزار کرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱/۱۰/۱۸).

از دیگر اقدامات دولت ترکیه برقراری ارتباط با گروه‌های معترض سوری، به‌ویژه اخوان‌المسلمین، است. بهترین دلیل برای همکاری ترکیه و اخوان‌المسلمین سوریه، برگزاری چهار کنفرانس برای مخالفان نظام سوریه در شهرهای ترکیه است که بیشتر آن‌ها را هم اسلام‌گرایان تشکیل داده‌اند. ازجمله، دولتمردان ترکیه با ارزیابی روند تحولات جاری و اوضاع داخلی کشور سوریه در چارچوب وضع حاکم بر منطقه، این اوضاع را به‌نوعی همجنس و همگام با سایر خیزش‌های منطقه می‌دانند که دیر یا زود با تضعیف مشروعیت نظام حاکم و افزایش فشارهای بین‌المللی، به تغییر نظام سیاسی سوریه خواهد انجامید. در این راستا، ترکیه می‌خواهد با پیشی گرفتن بر رقبای خود، به‌خصوص ایران، در نبرد بر سر منافع، پیروز نهایی میدان شود (بیات، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

به‌همین دلیل، ترکیه هم‌زمان درصدد تضعیف سوریه و نیز تغییر زبان مقاومت با ارائه الگویی ترکیه‌ای است. به‌زبان دیگر، ایجاد شکاف در مثلث سوریه و ایران و جریان مقاومت، در دستور کار قرار گرفت و حضور قدرتی مانند ناتو در پشت ترکیه، باعث شد این کشور جسورانه‌تر عمل کند. به‌نظر می‌رسد ترکیه جدا از بلندپروازی‌های منطقه‌ای خود در خاورمیانه، تلاش می‌کند اهداف غرب را نیز در منطقه پیاده کند تا ضمن ارتقای جایگاه راهبردی خود، به‌کانون و محور تعقیب منافع و دغدغه‌های راهبردی هم‌پیمانان خود تبدیل شود (شریعتی، ۱۳۹۱). هدف اصلی از اجرای دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه درقبال موضوع سوریه را می‌توان برکناری اسد از قدرت دانست؛ سیاستی که از حمایت اتحادیه اروپا و ایالات متحده و اتحادیه عرب نیز برخوردار است (بهرامی، ۱۳۹۰).

علاوه بر این‌ها، دولت ترکیه طرحی نیز برای حل و فصل بحران سوریه در دست داشت. طرح مذکور مقدمه‌ای برای آغاز کنفرانس «ژنو ۲» درخصوص سوریه بود. روزنامه صباح نوشت: طرح پیشنهادی ترکیه شامل واگذاری تمام اختیارات بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، به دولت انتقالی و درمقابل، باقی‌ماندن وی در سوریه و مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی است... احتمالاً اردوغان طی سفرهایش به روسیه و ایران و برخی کشورهای عربی، این طرح را بررسی خواهد کرد (روزنامه صباح ترکیه، به‌گزارش سایت پیام آفتاب، ۱۳۹۲/۳/۲).

۲-۲-۳. مواضع مالی و نظامی ترکیه

ترکیه در بحران اخیر سوریه نیز تلاش می‌کند به‌عنوان میانجی عمل کند و این رویکرد با هدف کاهش دامنه‌های بحران در مرزهای ترکیه و نیز با هدف ارتقای منافع منطقه‌ای و جهانی این کشور اجرا شده است. ترک‌ها با بازکردن مرز خود با سوریه، هزاران پناهنده سوری را که در اثر حملات ارتش سوریه به شهرهای شمالی سوریه، از بیم جان‌شان به ترکیه گریخته‌اند، اسکان داد تا با این کار، علاوه بر گرفتن ژستی انسان‌دوستانه و حقوق‌بشری، از این مسئله به‌مثابه اهرمی مؤثر در بحران سوریه استفاده کند.

احمد داود اوغلو پس از بازگشت از نشست دوستان سوریه در تونس، با بیان اینکه رفتار ترکیه در قبال سوریه همچون رفتار این کشور در جنگ عراق نیست، اظهار داشت گزینه نظامی در مورد سوریه روی میز است و ترکیه در موضوع سوریه کنار این میز قرار دارد. سخنان اخیر اوغلو پس از برگزاری نشست دوستان سوریه در تونس، نشان از توافق ترکیه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده در قبال بحران سوریه دارد (بهرامی، ۱۳۹۰).

در پی ناکامی سناریوی غرب در سازمان ملل متحد و نگرفتن مجوز حمله به کشور سوریه از این طریق، ناتو و به‌ویژه ترکیه در مرکز توجه قرار گرفته‌اند و به‌احتمال قوی، با این حربه، اقدامات بعدی علیه سوریه را طرح‌ریزی خواهند کرد. رفتار ترکیه در رابطه با تحولات سوریه، منافع این کشور را با همسایگان قدرتمند خود مثل روسیه و ایران در تعارض قرار داده است و در صورت پافشاری ترکیه بر سیاست‌های خود در قبال سوریه، این کشور با همسایگان خود، روسیه و ارمنستان و عراق و ایران، دچار مشکل می‌شود و نتایج ده‌ساله سیاست خارجی ترکیه در قبال همسایگانش به خطر خواهد افتاد (دهقانی، ۱۳۹۰).

درواقع، ترکیه برخلاف خواسته و انتظار مردم سوریه و اظهارات مسئولان آن که از طریق آن تلاش می‌کند خود را حامی منافع و حقوق ملت سوریه نشان دهد، از جنگ اقتصادی اتحادیه عرب علیه مردم سوریه استقبال کرد (باشگاه اندیشه، ۱۳۹۱).

از آغاز بحران سوریه، مرزهای ترکیه به مقرر اصلی معارضان سیاسی و نظامی سوری تبدیل شده بود و ترکیه در نظر داشت از معارضان سوری به‌عنوان برگ برنده خود در



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

کشمکش با همسایه جنوبی خود استفاده کند. اما با طول کشیدن بحران و تعبیر نشدن رؤیای سران ترکیه و دیگر زمامداران ائتلاف ضدسوری، معارضان و آوارگان سوریه به باری سنگین بر دوش دولت آنکارا تبدیل شدند. به همین دلیل، جابه جایی جغرافیایی فوق با هدف انتقال بخشی از وظایف امدادرسانی نظامی به معارضان، از ترکیه به لبنان صورت گرفت؛ اگرچه هزینه های حضور مخالفان سیاسی سوریه که عمدتاً در استانبول مستقر شده اند، همچنان بر دوش زمامداران آنکارا سنگینی می کند (ترحمی، ۱۳۹۱: ۲۱).

در مجموع، نقش آفرینی دولت اردوغان در قاچاق سلاح به سوریه، حمایت تمام عیار از تروریست های سوری، بمباران ارتش سوریه، بحران هواپیما با مسکو، جدال های محکم لفظی با عراق و مسائل عدیده ای از این قبیل، نشان دهنده فعالیت های مالی و نظامی ترکیه در بحران سوریه برای مخالفان سوریه است و همچنین، سبب شده است که حکومت ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، به سیل کشورهای منطقه تبدیل شود (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱/۱۰/۱۸).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

۱۰۰

سال سوم ، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

نتیجه‌گیری

سؤال اصلی این مقاله آن است که سیاست خارجی و مواضع دولت ایران و دولت ترکیه دربارهٔ بحران سوریه چیست؟ دربارهٔ دولت ترکیه، می‌توان به این نتیجه رسید که تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخاصمی، تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم از طریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و نیز فشارهای اروپا و آمریکا برای پذیرفته‌شدن این کشور در بین آن‌ها، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ترکیه منجر شده است.

درمقابل، در محیط داخلی ترکیه در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود. الگوی باتدبیر ماحصل پاسخ به حالتی است که تغییرات داخلی کم است و درمقابل، تغییرات خارجی بسیار گسترده است و به‌سبب تحمیل‌نشدن تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند نحوهٔ کنش در برابر تغییرات خارجی را به‌صورت دقیقی بررسی کنند.

رفتار منطبق با الگوی باتدبیر در سیاست خارجی، رفتار انطباق رضایت‌مندانه با هژمون‌های قدرت است؛ چراکه در چنین موقعیتی، چون واحد با خطر داخلی مواجه نیست، خشنودانه تن به انطباق با سیاست‌های هژمون‌های قدرت می‌دهد.

در مورد ترکیه نیز سیاست خارجی این کشور را در همین راستا می‌شود ارزیابی کرد. در تحلیل نهایی، سیاست خارجی ترکیه با سیاست خارجی آمریکا و غرب دربارهٔ سوریه همسوست. منافع ترکیه ایجاب می‌کند که دولت اسد که روابط استراتژیکی با ایران دارد سقوط کند و دولت همسو با سیاست‌های ترکیه در سوریه سر کار آید. سیاست دولت‌های اروپایی و آمریکا نیز همین است. آنچه باعث تعلل غرب برای نیل به این هدف شده است، ورود عامل اسلام سلفی‌گرای افراطی موسوم به داعش است. ترکیه نیز با بازی با کارت داعش در پی رسیدن به منافع منطقه‌ای خود است.

دربارهٔ دولت ایران نیز می‌توان گفت این کشور در محیط عملیاتی سیاست خارجی خود با نوعی فشار ساختاری عمده از جانب محیط بین‌المللی و سیستمی روبه‌رو بوده است. تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخاصمی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم از



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام



طریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و و نیز فشارهای ناشی از بافت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت آمریکا، به‌عنوان قدرت هژمون، در برابر ایران، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ایران منجر شده است.

درمقابل، در محیط داخلی ایران در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل این دو محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود. در این حالت نیز به‌مانند حالت دولت ترکیه، به‌سبب تحمیل‌نشدن تقاضاهای داخلی، مقام‌های مربوط می‌توانند نحوه کنش خود را در برابر فشارهای خارجی، به‌صورت دقیقی بررسی کنند. براساس این مبانی نظری، نحوه موضع‌گیری ایران در قبال سوریه و ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را به‌خوبی می‌توان بررسی کرد. تفاوت دولت ایران و دولت ترکیه در این زمینه در نوع رفتار آن‌هاست. رفتار دولت ایران برخلاف ترکیه، نوعی رفتار طغیان‌گرایانه با اهداف و سیاست خارجی هژمون‌های قدرت است؛ چراکه عامل ایدئولوژی و اهداف ارزشی در سیاست خارجی ایران دخالت کرده و باعث انحراف رفتاری ایران از الگوی مدنظر روزنا می‌شود.

تضاد اصلی ایران با ترکیه در بحران سوریه، بر حفظ منافع ژئوپلیتیک ایران و ترکیه استوار است. سیاست منطقه‌ای ایران متمرکز بر تقویت اتحادها و ائتلاف‌ها با گروه‌ها و دولت‌های دوست در منطقه است. خروج ترکیه از موضع سنتی حزب عدالت و توسعه، یعنی تمرکز بر نقش میانجی‌گرانه یا به‌صفر رساندن مشکلات با همسایگان و اتخاذ موضع جانب‌دارانه در بحران سوریه، درست درمقابل سیاست منطقه‌ای ایران، یعنی حفظ توازن قوای فعلی است. از نگاهی واقع‌گرایانه، آینده آرایش سیاسی حکومت سوریه، همانند اهمیت آن برای بازیگران رقیب، برای ایران از لحاظ حفظ و تقویت نقش منطقه‌ای، موازنه قدرت و تقویت جریان مقاومت بسیار مهم است.

مرز تضاد ژئوپلیتیک در روابط ایران و ترکیه، در بحران سوریه، دخالت نظامی ترکیه یا غرب است. البته ترکیه به‌رغم سیاست‌های شعاری و سمبولیک، همچنان توانایی لازم برای اقناع افکار عمومی خود برای دخالت نظامی در سوریه را ندارد. بدون دخالت نظامی ترکیه هم احتمال حمله نظامی ناتو به سوریه، به‌خصوص با توجه به قدرت گرفتن داعش، کم است.

سیاست خارجی و عملکرد رفتاری دولت ایران، هم ریشه‌های مذهبی دارد و هم ناشی از آرمان‌گرایی سنتی ایرانی‌هاست و هم بازخورد عملکرد قدرت‌های بزرگ است. روابط منطقه‌ای در خاورمیانه نیز بر آن تأثیر می‌گذارد. مجموع این عوامل داخلی و خارجی دولت ایران را به این برآورد می‌رساند که برای حفظ موقعیت منطقه‌ای و برقراری توازن قوا به نفع منافع ملی ازسویی و نیز در جهت حمایت از محور مقاومت و ایدئولوژی اسلامی تعریف شده برای نظام ازسوی دیگر، حمایت‌های همه‌جانبه خود از دولت سوریه را اعلام کند. درمقابل، مواضع اردوغان در ترکیه این دولت را بر آن داشته است تا با قدرت تمام درصدد براندازی دولت دمشق از طریق حمایت‌های گسترده سیاسی، نظامی، تسلیحاتی و... از نیروهای معارض داخلی و تروریست‌های سوری باشد. درواقع، سیاست خارجی ترکیه باتکیه بر ایدئولوژی عثمانی‌گری، به دنبال احیای شکوه باستان خود در دوران امپراتوری عثمانی از طریق دروازه دمشق است. ترکیه در پی آن است تا در بحران سوریه نقش آفرینی کند و از این بحران، به مثابه فرصتی برای تقویت اعتبار و نقش منطقه‌ای خود استفاده کرده، حمایت دنیای غرب را به دست آورد و درنهایت، قدرت برتر و مسلط منطقه‌ای در خاورمیانه و بازیگری در محیط بین‌المللی شناخته شود.



کتابنامه

- ایزدی، جهانبخش و حمیدرضا اکبری (۱۳۸۹)، «برآورد دهه سوم مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه؛ هم‌گرایی بیشتر یا گسست»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال اول، ش ۲، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۷ تا ۶۱.
- بزداغلی اوغلو، یوچل و اعظم حمیدپور (۱۳۸۷)، «نوگرایی، هویت و سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال نهم، ش ۳۶، ص ۱۱۹ تا ۱۳۹.
- بصیری، محمدعلی و سید فاضل موسوی (۱۳۸۹)، «نقش و تأثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۵، بهار، ص ۸۴ تا ۸۵.
- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، ش ۲، ص ۱۶۱ تا ۱۷۸.
- ترحمی، مهدی (۱۳۹۱)، «الگوی مفهومی بحران سوریه، تحلیل و مدیریت آن»، موسسه اندیشه و عمل پویا، ۲۶ شهریور ۱۳۹۱.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و بهزاد خوش‌اندام (۱۳۸۹)، «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، ش ۵۵، ص ۱۸۹ تا ۲۲۰.
- خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۱)، پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه‌پژوهی: ترکیه و ایران)، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، ش ۱۱، ص ۳۹ تا ۵۶.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، (۱۳۸۶)، جمهوری ترکیه، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست، ش ۱۱، ص ۲۲۱ تا ۲۴۶.
- دهی، امیر (۱۳۸۵)، «سرزمین‌های جهان اسلام: جمهوری ترکیه، حدود جغرافیایی»، اندیشه تقریب، ش ۶، ص ۳۲ تا ۵۶.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۱)، «بررسی سیاست خارجی دولت‌های انقلابی جدید در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، براساس مدل پیوستگی جیمز روزنا»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ویکم، ش ۶۳، ص ۹۳ تا ۱۱۱.
- رینولدز، فیلیپ (۱۳۸۰)، شناخت اصول روابط بین‌الملل، ترجمه جمشید زنگنه، تهران: وزارت امور خارجه.
- صفوی همایی، سیدحمزه، (۱۳۸۷)، کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چ ۱، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۰)، «کمالیسم؛ عناصر بحران در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه راهبرد، ش ۲۱.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیه تراسات العالم الاسلامی

۱۰۴

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

امور خارجه.

قاسمی، فرهاد (۱۳۸۱)، «طرح مفهومی مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال نهم، ش ۴، ص ۵۸ تا ۳۵.

_____ (۱۳۸۶)، دیپلماسی و روابط بین‌الملل، چ ۱، تهران: میزان.

_____ (۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای؛ مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، ش ۲، ص ۹۴ تا ۵۷.

قاسمی، فرهاد و سیدجواد صالحی (۱۳۸۷)، نگرشی تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

متقی، افشین و دیگران (۱۳۹۲)، جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال یازدهم، ش ۳۶، ص ۲۷۱ تا ۲۵۱.

مشیرزاده، حمیرا و احسان مصباح (۱۳۹۰)، «موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، ش ۱، ص ۲۷۰ تا ۲۴۷.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۸)، «تحول در روندهای سیاست خارجی ایران»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۷، ص ۱۰۱ تا ۱۳۱.

مؤسسه اندیشه و عمل پویا (۱۳۹۱)، «کالبدشکافی تحولات سوریه و موضع بازیگران خارجی در قبال آن»، کارگروه سیاست خارجی، ۱۲ شهریور ۱۳۹۱.

موسوی، سیدحسین (۱۳۹۱)، «افق‌های راه‌حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۸ مهر ۱۳۹۱.

نیاکوئی، سیدامیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، ش ۴، ص ۹۷ تا ۱۳۵.

هالستی، کی جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، چ ۵، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

افشار، اسدالله (۱۳۹۱)، «بحران سوریه و راهکار آن»، خبرگزاری تابناک، ۲۳/۰۹/۱۳۹۱.

برزگر، کیهان (۱۳۹۰)، «نقش ایران و ترکیه در حل بحران سوریه»، سایت خبری دیپلماسی ایرانی، ۰۸/۰۹/۱۳۹۰.

بهرامی، محمد (۱۳۹۰)، «ترکیه و سیاست تغییر رژیم در سوریه»، خبرگزاری بین‌المللی کردپرس، ۱۲/۱۲/۱۳۹۰.

باشگاه اندیشه، «مواضع ترکیه علیه سوریه و واکنش روس‌ها»، ۲۹ آذر ۱۳۹۱، دسترسی در:

www.bashgah.net

حیدری، علی (۱۳۹۱)، «بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه»، خبرگزاری فارس، ۱۴ مرداد ۱۳۹۱.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۰۵

سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ...

فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، «اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در تحولات سوریه»، سایت بصیرت، ۲۷/۰۲/۱۳۹۱.

دهقانی، محمد (۱۳۹۰)، «بازخوانی سیاست ترکیه در قبال سوریه»، سایت بصیرت، ۰۷/۱۲/۱۳۹۰.
شریعتی، یاسین (۱۳۹۱)، «بررسی نقش ترکیه در معادلات منطقه»، خبرگزاری بین‌المللی کردپرس، ۲۵/۰۹/۱۳۹۱.

مرجانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۰)، «عوامل تأثیرگذار در جامعه ترکیه»، اسلام‌تایمز، ۳۰ فروردین ۱۳۹۰، دسترسی در: <http://www.islamtimes.org/vdcjytem.uqemizsffu.html>.

خبرگزاری مهر (۱۳۹۱)، «موضع سه‌گانه ایران در قبال سوریه»، ۲۰/۰۱/۱۳۹۱، دسترسی در: www.Mehrnews.com.

روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۹۱)، «اشتباه راهبردی سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات سوریه»، ۱۸/۱۰/۱۳۹۱.

روزنامه کیهان (۱۳۹۲)، «سکوت در مقابل تجاوز آشکار رژیم صهیونیستی به دمشق مضحک است؛ واکنش ایران به قطعنامه سازمان ملل علیه سوریه»، ش ۲۰۴۹۵، ۲۸/۰۲/۱۳۹۲، ص ۲.
سایت رسمی رهبری انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۰)، «دیدار دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب»، ۱۱/۱۱/۱۳۹۰: Khamenei.ir.

قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۸)، اندیشه‌های داود اوغلو، معمار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، مرکز پژوهش علمی و مطالعاتی استراتژیکی خاورمیانه.

<http://www.asnoor.ir/Pubilc/Articles.ViewArticles.aspx?Code:183083>

Schenker, D. (2011). Syria and Turkey: Walking Arm in Arm, down the same road? Available in <http://www.Brandeis.edu>.

Rosenau, James. (1971). The Scientific Study of Foreign Policy. New York. The Free Press.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

۱۰۶

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲